

19-07-2013

این چه شوری است که در دور قمر میبینم

سرزمین مصر دارای تاریخ و فرهنگ بسیار عمیق و دقیق و یکی از مراکز عمده تمدنی دنیای قدیم است. این سرزمین، همانند سایر خطه ها و سر زمین های جهان پهنورما، گرم و سرد و فرود و فراز سیاسی – اجتماعی زیادی بخود دیده است

یکی از آن همه فرود و فراز سیاسی – تاریخی و اجتماعی، عبارت از هجوم جنگجویان اسلامی عربستان سعودی در چهارده قرن قبل از امروز بالای این آب و خاک بود که نظام سیاسی، اجتماعی و بنیاد زبان و فرهنگ دیرینه آنرا از بنیاد بازگون کرد.

تاریخ روایت میکند که در آن زمان، تنها در کتابخانه عظیم اسکندریه، بیشتر از یک ملیون جلد کتاب و آثار گرانسنگ علمی، نجومی و تحقیقاتی وجود داشت که متأسفانه از سوی فرمانداران نیروهای مهاجم به آتش کشانیده شدند. گفته شده که این کتاب سوزان و روند امحای میراث های فرهنگی ملت مصر هفته ها و ماه ها ادامه داشت. بهر حال، از مقدمه میگذریم و میپردازیم به وضع و حال سیاسی – اجتماعی کنونی مصر:

بیشتر از یکسال قبل بود که مردم این سامان، به سلسله خیزشها و اعتراض های سیاسی و مردمی کشورهای شرق میانه علیه رژیم های خودکامه شان، به پا خاسته و حسنی مبارک رییس جمهور چندین ساله را به زیر کشیدند.

همانطور که گاهگاه در برخی از کشورهای اسلامی و آسیایی به وقوع می پیوندد، در مصر هم اخوان المسلمین کهنه کار که چون مار خوابیده و سرکوب شده یی در جامعه مصر بود، تکان خورد و با حیل و تاکتیک های خاص و البته در نتیجه یک انتخابات عمومی بر شانه انقلاب و خیزش مردم مصر سوار شد و محمد مرسی یکی از اعضای فعال و شناخته شده حزب اخوان المسلمین در رأس امور دولت قرار گرفت.

باید متذکر شد که مرسی در ایالات متحده آمریکا تحصیل کرده و با آنکه مقام های امریکایی کاملاً از او بعنوان عضو فعال اخوان المسلمین شناخت داشتند، وی را در مهم ترین دستگاه تحقیقات فضایی آن کشور (ناسا) توظیف نمودند. بهمین دلیل و دلایل دیگر، گفته میشود که محمد مرسی با شبکه اطلاعاتی امریکا در تماس و همکاری نزدیک بوده است .

مرسی مانند دیگران، با سپردن وعده هایی برای ملت مصر به کرسی حاکمیت سیاسی نشست و اما، دیری نپایید که دست به اقدامات سودجویانه در جهت افزایش قدرت خودش و تشکیل اخوان المسلمین زد که ازان جمله ، اقدام به تدوین قانون اساسی جدید بر بنیاد تعابیر اسلامی و مذهبی ، ترویج حجاب زنان در برنامه های تلویزیونی و بالا کشیدن عناصر اخوانی در پُست های مهم دولتی و امثالهم بود. این اقدامات درحالی آغاز گردیدند که ظرف یکسال حاکمیت اخوان المسلمین، هیچ گوشه یی از انبوه مشاغل اقتصادی آن کشور حل نگردید و هیچ برنامه عامه پسند روی دست گرفته نشد.

مردم مصر، بخصوص نسل جوان آن که هم از فیض سواد نسبتاً کافی برخوردار هستند و هم دارای شعور بلند سیاسی میباشند، برای آنکه جلو اقدامات بنیادگرایانه رییس جمهور را سد سازند، بار دیگر کمر به مقاومت و اعتراض مدنی بستند. اما، سخت جانی و سماجت محمد مرسی و برادران اخوانی او از یکسو و پافشاری و سر سختی اجتماعات معترض از سوی دیگر، ناآرامی ها را به درازا کشانید و نظم اجتماعی و اقتصادی مملکت را لرزانید تا آنکه سران ارتش دست بکار شده پس از صدور اخطار قبلی مبنی بر حل هرچه زود تر مشکل جاری، در یک اقدام نوع کودتایی، مرسی را از کاخ ریاست جمهوری به توقیفگاه کشانیدند.

متعاقب این عمل، خشونت ها که عمدتاً ناشی از لجاجت طرفداران رییس جمهور و در واقع، اعضای اخوان المسلمین است ، از شهر قاهره به اسکندریه و اطراف رود نیل و جا های دیگر گسترش یافت و در اثر زدو خورد فزینگی و مسلحانه میان موافقان و مخالفان رییس جمهور و همچنان در نتیجه اقدامات سد سازنده ارتش تا کنون بیش از شصت تن کشته شده و صد ها تن دیگر زخم برداشتند.

آنچه دامنه خشونت و کشتار را وسیع تر ساخت ، سخنرانی محمد بدیع مرشد اخوان المسلمین بود که از طرفداران فکری و سیاسی اش خواست تا به مقاومت شان تا برگرداندن مرسی به کاخ ریاست جمهوری ادامه دهند. روی همین دلیل بود که ارتش اقدام به دستگیری تعدادی از سران و سرشناسان اخوان المسلمین مانند محدی عاکف و بیشتر از چهل تن دیگر، به شمول محمد بدیع نمود.

نکته دیگری که نفت روی آتش خشونت های مصر ریخت ، تحرکات " جنبش ترمرد " بود که یک تشکیل نو تأسیس بوده و از پیروان خویش خواست تا به نافرمانی ها ادامه دهند. در همین بحبوحه سیاسی، نظامیان مصر ؛ شخصی بنام عدلی منصور را بمثابه رییس جمهور مؤقت آن کشور معرفی کردند و او، شخصی بنام " الببلاوی " را بعنوان صدراعظم کشور مؤظف به تشکیل کابینه نمود. عدلی منصور علاوه از آنکه ، ضمن صدور اعلامیه یی وعده اصلاح قانون اساسی و تدویر انتخابات ظرف چهار ماه آینده را برای مردم سپرد، با آنها هنوز معلوم نیست وی میتواند موج برخاسته از درون جامعه مصر را فرو نشاند یا خیر؟

جالب این بود که تظاهرات دستوری و فرمایشی خاصی به طرفداری از محمد مرسی در خیابانهای شهر کابل به راه انداخته شد که در واقع، هیچ ارتباط منطقی با منافع ملی و طرز دید ملت افغانستان نداشت و ندارد. بلکه این حرکت ، تبلور وابسته گیهای ایدئولوژیک و سیاسی و ارتباطات اخوانیت بین المللی در افغانستان را به نمایش گذاشت .

حال باید پرسید چه دستهایی در عقب چنین اوضاع و احوال مصر دخیل اند و سرنوشت سیاسی این کشور به کجا خواهد کشید؟

هرچند، هر نوع پیشبینی دقیق در همچو حالات دشوار خواهد بود، زیرا فعل و انفعال اجتماعی در یک جامعه انسانی، هیچ فرمول مشخص و شناخته شده یی ندارد تا از راه بکار برد آن ، به نتیجه دلخواه رسید. با آنها میتوان چند نکته برجسته را در این راستا یاد کرد:

اول (با موقعیت بسیار حساس جغرافیایی و ارزش خاص سیاسی یی که مصر در منطقه دارد، نه تنها برای سایر کشور های عربی قابل توجه میباشد، بلکه برای ایالات متحده نیز بحیث یگانه ابر قدرت جهان و از دیدگاه منافع ستراتژیک آن در خاور میانه اهمیت بزرگی دارد. بهمین دلیل است که امریکا نه تنها در استقرار رژیم دوست با اسرائیل در این کشور تلاش بحرچ داده، بلکه از چندین سال بدینسو پذیرفته است که سالیانه مبلغ دو میلیارد دالر مساعدت بلا عوض به این کشور تحویل دهد. بنابراین، امریکا بگونه بسیار جدی سعی بعمل خواهد آورد تا از خیزش مردمی در مصر، چیزی بنام دشمنی با اسرائیل و خصومت با منابع امریکا سر بلند نکند و منافع سیاسی – اقتصادی آن تضمین شود.

دوم) احتمالاً نظامیان مصر که هم صاحب تجارب کافی جنگی و سیاسی شده اند و هم موقعیت جیو پولیتیک کشورشان، حساسیت های دیپلماتیک و ظرافتهای روابط با کشور های همسایه را درک میکنند، کاری نخواهند کرد که خشم کاخ سفید را بر انگیزانند.

سوم) همچنان نظامیان مصر، با درکی که از وزنه سنگین اخوان المسلمین در جامعه مصر دارند، بخصوص با قربانی اخیری که اخوانی ها در جریان خشونت ها متحمل شده و یکبار دیگر سرخورده گی سیاسی را لمس نمودند، هرگز نخواهند توانست وجود و حضور این حزب اسلامی هشتاد ساله را در محاسبات سرنوشت ساز آینده از نظر دور نگهدارند.

باید افزود که هرگاه قدرتهای مداخله گر منطقه و جهان، خط و نشان دیگری برای ملت مصر تعیین نکنند، مناسب ترین و خردمندانه ترین اقدام برای جوانب مختلف سیاسی – اجتماعی در این کشور، همانا تدویر انتخابات شفاف پس از برقراری آرامش نسبی ، رعایت گذشت و مدارا و اشتراک باهمی و صلح آمیز همه اقشار و جناح ها به دور مشی ملی- مترقی برای آینده مصر خواهد بود.

با شعور بلند و فراستی که مردم مصر تا کنون از خود تبارز داده اند، میتوان درجهت رسیدن به یک نتیجه منطقی و خردمندانه سیاسی دران سر زمین امید وار بود. (پایان)